مردم

روزنامه یومیه

صاحب امتیاز صفر نوعی

سال نخست شماره ۲۰۱ — یکشنبه ۱۰ آبان ماه ۱۳۲۱ — تک شماره پنجاه دینار

اعتصاب

این اواخر در بعضی از مؤسسات بر اثر غلط بودن مقررات کار و فشار زندگی و تنگدستی کارگران و عدم تکافوی مزد ایشان و نایابی نان و برخی موجبات دیگر اعتصاباتی رخ داد. اصولا ما معتقدیم که کارگران مانند اصناف دیگر در میدان مبارزه اجتماعی آزادند وحق آنرا دارند که با ایجاد سندیکاها و اقدام باعتصابات حقوق قانونی و انسانی خود را بکف آورند و هر قدرتی که بخواهد آنهارا از نیل باین حقوق محروم سازد خلاف صریح اصول آزادی رفتار نموده است ولی البته ارزش و تأثیر اینگونه اعمال اجتماعی (مانند اعتصابات) باید بخصوص در این ایام نسبت بموقع بین‌المللی و اوضاع جهانی سنجیده شود زیرا هیچگاه در تاریخ تا این اندازه سرنوشت ملل بیکدیگر مربوط نبوده است امروزه ترتیبی پیش آمده است که ملاحظه میشود ولو ملا در مداخله یا عدم مداخله جنگ بالفعل از منافع ما تماس مستقیم دارد یا آن که روش سیاسی موجود در آتیه ما مؤثر است و همین وقت و باریکی موقع است که شخص را پیش از هر گونه اقدام اجتماعی باندیشیدن و سنجیدن وا می دارد.

ما بخوبی میدانیم علت این اعتصابات چیست. بکسانیکه تربیت یافتگان مکتب زور که قلعه‌های چینی و مغزهای پوک دارند و باصول زورگرائی خو گرفته‌اند تصور می کنند همینکه نام ریاست یا کارفرمائی بر آنها گذاشته شد باید بازیر دستان خود روابط بندگی و خواجگی برقرار سازند وصرف نظر از سوء خلق و کبر فروشی باحیله مختلفه بخورند و بچاپند و فقط فربه خود باشند واصلا پروای آن را نکنند که کارگر یا کارمند درچه حالی است. از گرسنگی می‌میرد؟ از سرما منجمد میشود؟ از تنگدستی وفشار خستگی در رنج است؟ خود این آقایان با بهترین طرز زندگی میکنند و اطمینان دارند که این وسایل راحت منحصراً برای آنهاست و کارگر یا کارمند جز هیچ و لو اینکه آنرا ندارد که غذای خوب و نوشابهٔ گوارا بخورد!

با این طرز تفکر خودپسندانه این مردم بی تمیز و نقشه‌ها بجای آنکه باعث بهبود اوضاع بشوند بر وخامت آن میافزایند. این مطالب را ما بخوبی میدانیم زیرا در خود یک گونه دیگری از این سر که آشفته و درهم برهم با نظایر این از خود راضی های بی شعور روبرو هستیم ولی یک نکته دقیق را میخواستیم بکارگران گوشزد کنیم و آن اینکه در این هنگام - چنانکه گفته شد - ما نه فقط باید در اندیشه خود باشیم بلکه لازم است که اوضاع جهانرا نیز در نظر گیریم. اکنون کارگران و کشاورزان یوگوسلاوی - بولونی - چک - اوکراین - روس زیر چکمه یک سرجوخه عشی و دیوانه آدمخوار جبهی خود پسند و ناچیز او را باین خشونت و ستم دارند جان می کنند - اینها از ملل آزاد چشم دارند که هرچه زودتر برای نجات آنها جبهه دوم ایجاد و این لاشخورها را از کشور ایشان بیرون رانند. ما همه مردمان آزادیخواه باید بگوئیم که اعتصابات ما - اقدامات ما در صورتی که برای نجات آنها و بالنتیجه نجات تمام عالم بشریت میشود وقفه ایجاد نماید. - و راههای میهنمان تعطیل نشود - کارخانه های اسلحه سازی متوقف نماند. امروز کارگران تمام جهان باوجود عدم سازگاری اوضاع کار می کنند. کار دائم و خستگی ناپذیر - تا همکاران اروپائی خود را از زنجیر های سنگینی که هیتلر بگردنشان افکنده است خلاص سازند و بهمین جهت در رشته هائی که نتایج و محصولات آن عاید ملل اسیر میشود نباید خللی کرد که لطمه وارد آورد.

ما جبهه های آزادی را هرگز نباید فراموش کنیم و اگر اقدام ما امور مربوط باین جبهه ها را مختل می کند باید جداً از آن خودداری کنیم و حرف حق خود را از راه دیگری پیش ببریم.

البته کارگرها باید در طریق نیل بحقوق خود کوشش کنند. در این شکی نیست. نهایت آنکه بازمان و مکان باید روش کار را تغییر داد و فقط با یگانگی و اتحاد - باشعور و همفکری میتوان پیروزمند شد. باید همه با هم یگانه و متحد بشویم و در راه آرمانی که آرمان ارجمند ترین افراد بشر است مجاهدت بورزیم.

این سخن ما باکارگران ولی از طرفی در جریان این اعتصابات از ناحیه کارفرمایان و رؤسای مسئول عملیاتی سرزده است که در خور شدیدترین اعتراضات و توبیخ هاست - بعضی از این آقایان بکارگرانی که دست از کار کشیده بودند پیشنهاد کردند که بیایند و کسانی را که در این کار محرک شناخته‌اند معرفی کنند - این روش جاسوس پروری که رذل ترین و سفله ترین وسائل فاسد ساختن یک ملتی است باید ترک شود. آنها میخواهند کارگران را بجاسوسی وادارند زیرا خود از صبح تا شام بجاسوسی و بخبر آنکه نشان این عمل را همه جاسوسی می کنند اینها جاسوس بار آمده اند - خائن بار آمده اند و از ارتکاب عمل خائنانه نیز شرم نمی کنند.

این نهایت آلودگی و پستی است که شخص باعث آلودن این و آن شود. آقایان خوبست این قبیل صفت را برای خود نگاه دارند و دیگران را تعلیم ندهند. برای ما همین مقدار جاسوس کافی است. در میان کارگران جاسوس نباید وجود داشته باشد و ندارد. آنها الواقع این عمل بخوبی آگاهند و از جاسوسی و جاسوسی نفرت دارند.

بشارت

بخوانندگان رمان فولاد آبدیده که در پاورقی روزنامه مردم منتشر میشود بشارت میدهیم که فیلم همین رمان که اخیرا در شوروی تهیه شده است وارد گردیده و یکی از شاهکارهای مهم فیلم برداری است بزودی بمعرض نمایش گذارده خواهد شد.

۳-۷

قبرستان

«مرج کراولی» خبرنگار رویتر مقیم انکارا گزارش میدهد:

مسافری که اخیراً از آلمان وارد شده میگوید که آلمانها در هر ماه چندین ملیون تن نفت مصرف می کنند لذا بایستی مراقبت نمایند که مقدار نفت ذخیره خود را بتدریج بمصرف رسانند.

فقدان ویا کمبود نفت موجود کمک رومانی موجب شده است که هیتلر بژنرالهای خود امر دهد که بهر **قیمت که باشد استالینگراد را تصرف کنند**. یکی دیگر از علل قصد تصرف استالینگراد آنست که آلمان دیگر به اندازه کافی سرباز در اختیار ندارد و اگر استالینگراد سقوط کند آلمانها امیدوارند که بتوانند نیروی کافی در اختیار خود داشته باشند و باکو و چاههای نفت آن حملات شدید نمایند.

این موضوع را مسافر نامبرده که اطلاعات جامعی از منابع موثق نظامی آلمان بدست آورده بود بیان نمود.

ولی مسلم آنست که شورویها اطمینان و یقین کامل دارند که باکو **بتصرف آلمانها درنخواهد آمد**

○●○

ما بارها در باره کمبود ذخیره نفت آلمان و تأثیر آن در نقشه استراتژیکی نازیها صحبت کرده ایم و اینک یادآور میشویم که پس از دفاع مشعشعانه مدافعین استالینگراد یاد آور شویم که نه تنها حمله سال ۱۹۴۲ فاشیستها بطرف باکو بعدم موفقیت کامل منجر شد بلکه مقداری از ذخیره نفت آلمان نیز بایستی برای سوزاندن اجساد هزاران سربازان آلمانی، ایتالیائی، مجارستانی ورومانی بکار رود.

فاشیستها برای جلوگیری از پیشروی جانبین از شهرهای تیموشنکو در شمال و جنوب استالینگراد نیز مجبور شدند که مقدار دیگری از ذخیره نفت خود را بمصرف سوزاندن جنگلها و استپهای روسیه بکار برند.

این بود نتیجه‌ای که هیتلر از خیال خام خود یعنی تصرف باکو و گروزنی گرفت.

اکنون که کوهستانهای قفقاز را برف انبوهی فرا گرفته و لشکریان فاشیست در مقابل مدافعین گروزنی محصور بخندق گی شدند هیتلر دستور داده است که لشکریانش راه قبرستان دیگری را در پیش گیرند.

این قبرستان حومه‌های شهر نالچیک بسیار زیبائیست این شهر **نالچیک** نام دارد.

نالچیک در دامنه های شمالی کوهستانهای صعب العبور و در سر راه سوق الجیشی مهمی واقع است مدافعین این ناحیه با آنکه از حیث شماره نسبت بدشمن در اقلیتند وظیفه‌ای دارند که سه ماه پیش مدافعین **دور شهر استالین** بانجامش همت گماشتند.

آنطرفتر یعنی در ساحل دریای سیاه نیز قبرستان دیگری است که هر روز بلکه هر ساعت اجساد سربازان رومانی و آلمانی را در خود جای میدهد.

بتازگی فاشیستها لشکر تازه‌ای باین کوهستان فرستاده‌اند تا جای سومین لشکر رومانی را که در این اواخر تا آخر کشته شده‌اند بگیرد آلمانها چندی پیش حملات بسیار بزرگی را در این ناحیه شروع کردند لیکن تنها اتفاق مهمی که افتاد این بود که شورویها در اثر حملات متقابله شدید خود هفت مرکز مهم سوق الجیشی را از دستشان بیرون کردند.

محافل مطلع در باره اوضاع این جبهه میگویند که نیروهای رومانی و مجارستانی و اتریشی در ناحیه شمال غربی **توابس** از لشکرهای آلمانی بیشتر است لیکن افسران و تانکرانان آنها آلمانی هستند.

آلمانی هستند تازیردستان وسایر سرنشینان تانک ها را بزور بکشتنگاه میفرستند.

از بررسیهای فوق وسایر نکات دیگر بر ما مسلم است که در صورتی «پیشوا» میتواند بهدف های اساسی خود برسد که دو میلیونها اجساد سربازانش روی تازه دیگر دفن شود و قطعات دهها هزار تانک و هواپیمای شکسته‌اش را در قفقاز ... متصل سازد.

لذا با آنکه هیتلر بعض پیشوائیش می‌بالد بهیچ‌اندازه که این کار غیر ممکن است هم اقتصر نیز وصول بهدف نیز برایش غیر مقدور خواهد بود.

هنر پیشگان تاجیکستان

«خبرنگار ما پس از مشاهده کنسرتیکه باشتراک دسته ای از هنرپیشگان تاجیکستان در سینما تهران اجرا میشود با خودشان نیز مصاحبه ای بعمل آورد.

اینک طی مقاله ذیل با استفاده از مشاهدات و اطلاعاتیکه در ضمن مصاحبه کسب کرده است استفاده نموده تحولیرا که پس از انقلاب بزرگ سوسیالیست تنها از لحاظ هنرپیشگی در تاجیکستان بوقوع پیوسته است تا حدی گوشزد مینماید.»

○●○

پرده عقب رفت و آقای رحیمی (معرف هنرپیشگان) از طرف دسته هنرپیشگان و ملت تاجیکستان بملت ایران شادباش گفت.

تماشا چیان نیز بپاس دوستی و همجواری شادباش گرم گوینده را با کف زدنهای زیادی پاسخ گفتند.

... بجلوس پرده‌ای گلدوزی شده نصب کرده بودند. این گلدوزی نمونه ای از هنرهای ملی جمهوری مستقل تاجیکستان محسوب میشد - و بدقت ملاحظه میگردید که از لحاظ هنرهای ملی توده تاجیکستان باسیاری از اقوام ایرانی بسیار نزدیکند.

و این موضوع باضافه لباس های ملی که بر تن هنرپیشگان مرد وزن بود میرساند که حکومت شوروی سعی داشته است که برای حفظ شعائر ملی توده های مختلف اتحاد جماهیر شوروی سعی بلیغی مبذول دارد.

زیرا حکومتی باین اقتدار می‌توانست که برای متحد الشکل ساختن دویست ملیون جمعیت کشور شوروی از مدتها پیش داخل مبارزه شود لیکن اینکار را نکرد زیرا میدانست که وحدت ملی منوط باتحاد فرم لباس نیست، بلکه توده های کارگر دهقان و روشنفکر از لحاظ منافع مشترک با هم متحد میشوند زیرا دیدیم که پس از انقلاب بزرگ اکتبر «وحدت ملی» خود بخود بوجود آمد

حال بنا بگفته حافظ: «خواهی سفید جامه و خواهی سیاه باش!» گذشته از این «فرم» چه مناسبت از لباس شروع شود در صورتی که شایسته آنست که بجای ظاهرسازی فرهنگ نوینی که حاوی کلیه مزایای یک تمدن عالی باشد رشد کند و روح ملی متجلی گردد که مانند توده تاجیکستان در دوره تزار غلام و کنیزی بیش نبود و اکنون عضوی از لحاظ فرهنگ جلوه‌گر است که بررسی آن شکفتگی منتهای نتیجه خواهد داد.

مفهوم جملات فوق در ظرف چند دقیقه از مخیله من گذشت تا جائیکه اولین سرود بنام «استالین» رشته افکارم را گسیخت:—

به استالین

استالین جان، تو ما را رهنمائی
برادر، هم پدر، هم پیشوائی
سر هوش و بخرد ما توانی
خلاصه: جان مائی، بخت مائی

○○○

ستالین گوییم و واسم زمین را
زمین تاج شود تا بینه این را
بکارم دانه و گل رویه و من
بهر گل بنگرم روی لبت را

○●○

بهر سختی که در ره پیش آید
که با آن جنگ کردن هیچ نتوان
به او نام ستالین را بگوئید
شود آن یکه حل، آن سخت آسان

سرود فوق را **«ابوالقاسم لاهوتی»** شاعر شهیر وانقلابی ایران سروده است که یکروز از دست ارتجاع فرار نمود وبکشور اتحاد شوروی رخت بربست و اکنون در آنکشور مقامی که شایسته یک روشن فکر است دارا می باشد.

دوشیزگانیکه سرود نامبرده را با ظرافت میخواندند سیزده نفر بودند که سیزده نفر از آنها همگی «ربلب» یکی از آلات موسیقی قدیمی کشور ما را در دست داشتند.

لباسهایشان رنگارنگ و بطور کلی جالب توجه بود. کلاه بافته‌ای هم بر سر داشتند لهجه آنان باکمی اختلاف مساوی لهجه ما بود یا بهتر بگوئیم اینها از اعقاب همان ایرانیانی هستند که کمی دوراز مام میهن در زیر سلطه اربابها وسلاطین خود مشقت و رنج می کشیدند و اکنون در زیر حکومت جدید تاجالی و مادام ازمداد ترقیات فرهنگی واقتصادی نائل آمدند.

دومین آهنگ پس از کف زدنهای زیاد بنام «دختر هراتی» آغاز گردید و با کف زدنهای ممتدی پایان یافت.

دشمن را نابود خواهیم کرد!

شعری بود بزبان روسی که با نهایت مهارت از طرف دسته هنرپیشگان با حرارت خوانده شد و سر انجام تا صحبت از نابودی غارتگران فاشیست بمیان آمد حضار بکف زدن ممتدی پرداختند

لیلا و ایروان نیز دو آهنگ بود که اولی بزبان تاجیکی و دومی روسی بود ودر عین حال جنبه شوخی داشت وجالب توجه اینجاست که پس از سرودن یک شعر جدی که محرک احساسات بود فوراً قطعه‌های تفریحی سروده شد.

آقای عظیم کمال رهبر دسته هنرپیشگان قطعه‌ای از «سایات نوا» موسیقی‌دان دوره قدیم دوره گرد محلی را باطوت خود با نهایت مهارت نواخت.

وسپس رقص «گل» توسط دوشیزه مارشو النصیرو آغاز گردید که با چهچه زدن خاتمه یافت.

و بالاخره موزیسین معروف «شریف جورایف» بر قطعه ای را در وسط ملهله تماشاچیان نواختند.

ناتسلم

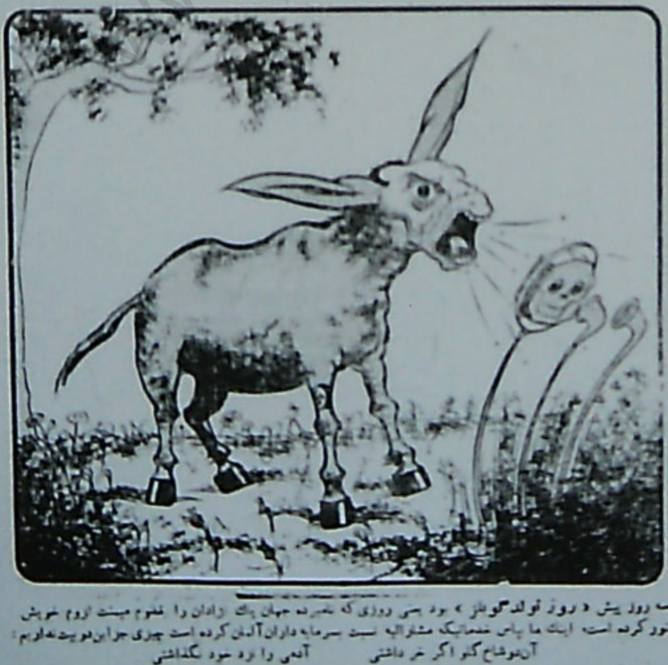

سه روز پیش «روز تولد گوبلز» بود یعنی روزی که بقعرده جهان پاک نژادان را بقدوم میمنت لزوم خویش منور کرده است. اینک ما بپاس خدماتیکه مشارالیه نسبت بسرمایه داران آلمان کرده است چیزی جز این دو بیت نداریم:

آن دو شاخ گاو اگر خر داشتی — آدمی را زنده خود نگذاشتی

«هیچ ملتی از لحاظ میهن پرستی پایه ملل

اتحاد جماهیر شوروی

نمی رسد ...»

واشنگتن ـ بقرار اظهار خبرگزاری انگلیس ویدل ویلکی راجع بمسافرت خود در افریقا و روسیه شوروی و آسیا اظهاراتی کرده ونسبت بلیاقت و کاردانی ژنرال مونت گومری فرمانده ارتش هشتم اظهار اعتماد نموده است. ژنرال مونتگومری به ویدل ویلکی اظهار داشته هرچند ژنرال رومل یک امیر لایق و زیرکی است لکن نقطه ضعف وی آنست که همواره میل دارد تاکتیک یکسانی را بکار برده و در آن هیچگونه تغییری ندهد مسیو ویدل ویلکی اظهار داشت که اساسی گفته است که در نواحی اشغال شده روسیه بوده و چهار نفر در صد مردان شوروی از طرف آلمانیها اجبارا آلمان اعزام شده اند تا در کارخانه های دشمن مشغول کار شده وکارگران آلمانی بتوانند بجبهه عازم شوند. آنگاه ویدل ویلکی چنین گفت: کلمه شکست برای ملت شوروی معنی و مفهومی ندارد و هیچ ملتی از لحاظ میهن پرستی پایه این ملت نمیرسد مسیو ویلکی بتحسین وستایش روسیه تهاجمی روسها پرداخته و پیش بینی کرد که آلمانیها هرگز نخواهند توانست روسیه را بتصرف در آورند چنانکه ژاپنیها نیز نخواهند توانست بر امریکا تسلط پیدا کنند آنگاه ویلکی مساعی و کوششهای چینیها را در جنگ تقدیر نموده و چنین گفت: ملت چین انتظار دارد که ما با یکروح حقیقت بینی و عدالتخواهی مسائل امروز چین را حل کنیم. آنگاه مسائل داخلی و خارجی گذشته این ملت بما لازم.

فرانسه آزاد میگوید:

«ملل شوروی درمقاومت استالینگراد معجزه واقعی نشان داد»

تیموشنکو از شمال و جنوب پیش میرود

لندن ـ خبرگزاری فرانسه آزاد خبر میدهد که اوضاع جنگ در روسیه طی چند روز اخیر تغییری نکرده و حال آنکه وضع هوا روز بروز بدتر میشود مقاومت وپایداری استالینگراد که تقریبا سه ماه است ادامه دارد از لحاظ لشکر کشی آلمانیها دارای اهمیت اساسی و شگرفی میباشد میهن پرستی و عشق و علاقه مفرط ارتش و مردم غیر نظامی شوروی آب وخاک خود در مقاومت استالینگراد معجزه واقعی نشان داده است و با آنکه آلمانی ها چندی پیش مدعی شدند که شهر بتصرف آنها در آمده است استالین گراد همچنان پایداری خود ادامه میدهد. این دلاوری شگفت انگیز و بیسابقه از یک طرف مربوط بنیروی اخلاقی ملتهای اتحاد جماهیر شوروی واز طرف دیگر وابسته به میهن ومنابع بی پایان این کشور است که قسمت اعظم آنها متعلق بخود روسیه است وقسمتهائی را نیز متفقین با وجود تمام مشکلات وموانعی که در راه آنها وجود دارد بی دریغ برای اتحاد جماهیر شوروی میفرستند تا این کشور دلاور پایداری قهرمانی خود ادامه دهد.

مسکو ـ در استالینگراد تانکهای شوروی ارابه های جنگی آلمانیرا در ناحیه یک کارخانه شکست داده اند من جمله ارتش امدادی مارشال تیموشنکو که از جانب شمال باختری مشغول پیشرفت است دیروز به استالین گراد نزدیکتر شده و داخل در مواضع دفاعی شده است.

پیشرفت این ارتش پس از تصرف سنگر های دشمن همچنان ادامه دارد و احتمال دارد که بزودی وارد شهر گردد درجنوب استالینگراد نیروهای شوروی پیشرفت نموده و سومین یک محل مسکونی را بتصرف در آورده اند.

مسکو ـ بقرار اطلاع خبرگزاری انگلیس هارلد کینگ فرستاده مخصوص آن خبرگزاری از مسکو چنین خبر داده است:

ارتش امدادی شوروی در سمت شمال سنگرهائی را که نیروی رومانی در جناح چپ دالان تشکیلی آلمانیها در خمیدگی بین رودخان دن واستالینگراد بسته اند یکی بعد از دیگری میشکافند وقت تنگ است و آلمانیها باتمام وسایل ممکن مشغول تشکیل استحکامات صحرائی میباشند چندین هفته متمادی است که جنگهای عمده و اساسی جریان دارد و آلمانیها بهمان اندازه لشکری که در خود استالینگراد بمیدان ریخته اند برای دفاع جناحهای خود نیز بهمان اندازه لشکر بکار میبرند ونتیجه جنگ منوط باین مسابقه میباشد. در منطقه صنعتی شهر که قسمتی از آن در دست دشمن میباشد نسبت به ساکنین آنجا باکمال وحشیگری رفتار میشود اهالی غیر نظامی را دسته دسته مجبور میکنند که در جزو نیرو آلمانی [illegible] واقع شوند.

در حومه های جنوبی نیروهای شوروی باز پیشرفت حاصل کرده اند

زندگی عمومی

نامه وارده

اینهم یکنوع بحران تازه!

کلمه بحران را همه شنیده اید. این کلمه را بمعنی های مختلف استعمال میکنند؛ بعضی اوقات بمعنی کمیابی اجناس، گاهی هم در امراض استعمال میشود بمعنی ساعت شدت خطر وغیره اما در علم اقتصاد هم معانی مختلفه دارد گاهی بحران کمی تولید است، مثلا متاعی در جامعه کمیاب شده وقیمت آن بالا میرود.

وزمانی نیز بحران پولی است و آن هنگامی است که مقدار پول ازحد مصرف بازار بیشتر بوده و پشتوانه صحیح نداشته باشد وارزش آن سریعا تنزل نماید مثل همین وضعیتی که دوائر تصویب متوالی لوایح انتشار اسکناس در کشور ما رفته رفته ایجاد میشود. بهر حال در هر یک ازین حالات دوائر عوامل جامعه حالت تعادل خود را از دست داده ودر خطر نیستی واضمحلال می افتد.

اما مهم ترین وشدید ترین نوع بحران، وآنچه که بیشتر در علم اقتصاد از این کلمه مستفاد میگردد بحران اضافه تولید است.

اجتماعات صنعتی کنونی که مبنی براصول سرمایه داری و تجارت آزاد است، درنتیجه رقابت بازار وهرج ومرج استحصال بقدری زیاد محصول تولید میکنند وبدون درنظر گرفتن احتیاجات بازار آنقدر مال التجاره وکالای بازار وارد مینمایند که از اندازه گنجایش آن زیادتر بوده و بالنتیجه قیمت اجناس یکمرتبه تنزل فاحش می کند وباندازه پائین میآید که دیگر فروش آن برای سرمایه دار صرف نمیکند. لذا اجناس درانبارها انباشته شده و در کارخانه ها تعطیل میشود.

در چنین موقعی سرمایه داران برای اینکه خطر بحران را مرتفع سازند اجناس و محصولات خود را [illegible] نابود میسازند. خروار ها گندم، عدلهای فراوانی از قهوه و چای را میسوزانند، مزارع وسیعی را یکجا آتش میزنند، گله های عظیم مواشی واغنام را بدریا میریزند، انبار های بزرگی از پارچه و قماش را با یک کبریت نابود میسازند، درحالیکه اکثریت مردم از گرسنگی و بیکاری جان میدهند. چرا؟ برای اینکه جامعه زیادتر از اندازه مصرف بازار محصول تولید کرده است!

در کشور ماهم یک بحران اضافه تولید ایجاد شده منتهی نه [illegible] است! حالا یقینا عصبانی شده و پیش خود میگوئید: «عجب آدم بی مغزی است همه مردم از کمیابی و قحطی جان میدهند این آدم از اضافه تولید حرف میزند!» نه بیخود عصبانی نشوید! خدا نکند که از آن بحرانهای مملکت ما ایجاد شود! این کلاه هنوز خیلی برای سر ما گشاد است! بحران ماهم مثل همه چیز ما ازیکنوع دیگر، از یکنوع تازه در آمدی است!

دقت کنید: جلو هر اداره یا در دالانهای هر وزارتخانه بروید انبوه جوانان تحصیل کرده است که برای بدست آوردن شغل هجوم آورده وجمع شده اند. درهرمحل که وارد شوید صحبت ازبیکاری و کمیابی شغلهای اداری درمیان است.

با هر جوان تحصیل کرده که حرف میزنید، یاد وی از بیکاری شده است، بهر اداره که مراجعه کنید تمام پست های اصلی و فرعی پر واشغال شده و جمعیت منتظرین شغل بی حدوحصر است. این اشکال بقدری شدید وجدی است که زندگی و تعادل اجتماعی ما را کاملا در خطر انداخته است!

آیا این بحران نیست؟ بحران اضافه تولید نیست؟!

همین وضعیت دلیل براین است که جامعه ما بیش ازحدلزوم تحصیل کرده تولید کرده است، بیش از اندازه احتیاج تحصیل کرده ایجاد نموده است! اگر این استدلال صحیح نیست پس چرا باین همه جوانان تحصیل کرده شغل نمیدهند و از آنها استفاده نمینمایند. اگر هم صحیح است و واقعا بحران تحصیل کرده ها در کشور ما وجود دارد چه روشی دولت برای رفع این بحران درنظر گرفته است.

آیا دولت بالاخره مجبور خواهد شد همان روشی را که سرمایه داران اروپا برای درهم شکستن بحران ها استعمال میکنند پیش گیرد؟ یعنی همه تحصیل کرده ها را یکجا جمع کرده و یکدسته از آنها را بطرف دریای خزر و دسته دیگر را بسوی خلیج فارس برای غرق کردن بفرستند وباقی را همین جا بیرون دروازه دولاب یک خرمن بزرگ آتش درست کرده وهمه شانرا در میان آن تبدیل به خاکستر نماید!!

ن. و.

غرق دو کشتی آلمان

همه جا سربازان جبهه های ورونژ - کالینین - توآپس - نالچیک ...
وهمچنین جنگجویان غیرنظامی بدشمن ضربت میزنند

روابط مکزیک با شوروی

مسکو ـ ملوانان ما دو کشتی نقلیه دشمن را که ظرفیت بیست هزار تن بود در دریای بالتیک غرق کردند.

در ناحیه ورونژ توپخانه ما بیست وچهار سنگر و دو پوش و یک انبار مهمات آلمان را خراب کردند آلمانیها در یکی از مناطق در صدد برآمدند اکتشافی از خطوط ما بنمایند ولی عقب رانده شدند و چهل تن از آنان کشته شدند. توپخانه ما یکصد و پنجاه هواپیمای دشمن را نابود کردند. روز ۲۹ اکتبر هواپیما های ما چهل کامیون پر از مهمات وسه قطار حامل نیروی دشمن را نابود کردند و سه گروهان پیاده آلمانی را متفرق ساخته وعده ای را نیز نابود کردند.

مسکو ـ در منطقه نالچیک پیکار با کمال شدت جریان دارد و ظاهرا مقصود منحصر فرد آلمانیها اینست که نیروهای شوروی را که پیوسته عقب خطوط آلمانیها را تهدید مینمایند نابود سازند. نیروی هوائی شوروی هم با نیروی زمینی همکاری مینماید با کمال شدت ولاینقطع فرودگاههای آلمانی ها را زیر بمباران میگیرد. در منطقه توآپس نیروهای شوروی چندین تپه و دره را که راه رفت و آمد نیروهای محور بود بتصرف کرده اند.

مسکو ـ در جبهه کالینین یکدسته از نیروی شوروی تحت فرماندهی سروان (پرچین) وارد منطقه مسکونی گردید که یک پادگان آلمانی در آن اقامت داشت. این نیرو توانست [illegible] هیتلری را هلاک کند و مانند تیراندازان یکی از واحدهای نیروی پیاده ما نه هزار و چهل و هشت افسر و سرباز آلمانی در عرض یکهفته کشتند.

مکزیکو ـ طبق اطلاع خبرگزاری انگلیس دولت مکزیک تصمیم گرفته بجهت روابط بین مکزیکو و اتحاد جماهیر شوروی روابط سیاسی برقرار خواهد شد.

مسکو ـ یکدسته از جنگجویان غیرنظامی (بیلوروسی) طی روزیکه شب هنگام دو گردان بیش از یکصد افسر و سرباز آلمانیرا با نارنجک های دستی هلاک کرده و ماشین ها را بکار انداختند. [illegible] برای مواجهه با یک دسته دیگر از جنگجویان غیرنظامی شوروی یک نیروی گوشمالی متشکل از [illegible] سوار فرستادند. طی زدوخوردی که بین این دسته سوار با جنگجویان غیرنظامی شوروی در گرفت یکصد و پنجاه تن آلمانی کشته شدند و [illegible] سواران آلمانی [illegible] گروهی از همان دسته جنگجویان غیرنظامی یک قطار آهن دشمن را از خط خارج آورده و یک لکوموتیو وشش واگن را نابود کرده و ده واگن دیگر آسیب رسانید.

مناطق اشغالی وسیع تر گردید

بمرسی مطروح واروپای باختری نیز حمله بعمل آمد

قاهره ـ بقرار اظهار خبرگزاری انگلیس اعلامیه ستاد ارتش انگلیس [illegible] انتشار میدارد [illegible] انگلیسیها [illegible] منطقه ای را که از دست دشمن گرفته بود وسعت داده و از آلمانیها [illegible] جدیدی گرفته اند.

قاهره ـ طبق اطلاع خبرگزاری انگلیس مهمترین کاری که دیروز هواپیماهای انگلیس نموده آن بود که برمرسی مطروح حمله برده فرودگاه آنجا را بمباران کرده و یک قطار راه آهن دشمن را نیز با بمبهای دیگر پیرامون ایستگاه مسلسل بستند.

لندن ـ خبرگزاری فرانسه آزاد اعلام میدهد که باوجود اینکه اخبار واصله از بیابان مصر حاکی از زد و خورد شدید نیروهای تانک طرفین است معهذا هنوز نمیتوان گفت که رزم عظیم تانک آغاز شده است. در انگلیس عقیده عمومی براینست که نیروی انگلیس در پاسخ حمله متقابله آلمانیها عده ای تانک بکار برده لیکن هنوز رزم قطعی نیروهای تانک درنگرفته است.

لندن ـ اعلامیه وزارت هوایمائی انگلیس چنین انتشار میدارد امروز بامداد چند هواپیمای انگلیسی از نوع اسپیت فایر در [illegible] قطار های حمل کالا و در کرانه (زیبروج) بیک کشتی مهمات وسایل حمله برده اند امروز بعدازظهر هم هواپیماهائی نوع (مسکیتو) یک فرودگاه ویک کارخانه را در هلند بمباران کرده اند ویکی از آنها بازنگشته است. هواپیماها بیک کشتی که در کرانه لنگر انداخته بود حمله برده اند امروز هواپیمای دشمن بر انگلستان بمبی نیفکنده.

مارش بطرف رم

نامه دو دیکتاتور

لندن ـ خبرگزاری فرانسه آزاد اطلاع میدهد امروز که روز یادبود بیستمین سال پیشرفت فاشیستها بروم میباشد بی مناسبت نیست از مصائب قومی که دیکتاتور ایتالیا ملت خود را دچار آن کرده ذکری شود یکی از این مصائب از دست رفتن امپراتوری مستعمراتی افریقا میباشد که ایتالیائی ها فوق العاده بآن میبالیدند. دیگر عدم فعالیت ناوگان ایتالیا با وجود ادعاهائی که ایتالیائیها از تفوق و تسلط خود در دریای مدیترانه مینمایند. یکی دیگر دست اندازی و نظارت بی حد و حصر آلمانیها به ایتالیا که بمنزله بخشی کشور متصرفی آلمان وبخشی مغلوب جنگ تلقی میشود. موسلینی از حریف آلمانی خود درخواست کرده است در [illegible] شهرهای ایتالیا شرکت نماید ومهمات دفاع ضد هوائی آن کشور بفرستد. شاید این درخواست موسلینی یک فرصت تلافی بدست آلمان بدهد که درضمن ارسال مهمات یکدسته کارکنان لشکری نیز به ایتالیا بفرستد که هم بحفاظت شهرها بپردازند و هم مراقبت نمایند که درموارد بمباران وحشت و هراس اهالی صورت شورشی پیدا نکند. البته امروز ایتالیائیها با اطلاعی که از وقایع جنگ دارند مسئله حمله بروم را برای سرنوشت ایتالیا یک واقعه شومی می دانند. همچنین برای آلمان هم واقعه پلید بود حمله بروم یک واقعه مسرت بخش نمیباشد.

چیزی که بیشتر ازهمه سبب اتحاد آلمان و ایتالیا گردیده همانا شباهت اصول دیکتاتوری میباشد و گذشته از اینکه ایتالیا برای آلمان مایه بیچارگی سربار او شده است. آلمان در جنگ با انگلیس اگر توانست ضربت موحشی بر دشمن خود وارد آورد برای این بود که توانسته بر قدرت لشکری و دریائی ایتالیا اتکاء کرده و وظیفه حفظ منافع محور دردریای مدیترانه را بدست پیشوای ایتالیا میسپرد. عدم موفقیت ایتالیائیها در این قسمت بدست انگلیس داد که وسائل دفاع مصر را فراهم ساخت در صورتی که اگر آلمانیها عملیات جنگی سوار را در آن موقع که انگلیس آماده کارزار نبود بدست خود گرفته بود. انگلیس برای تدارکات دفاعی خود دوره بسیار وخیمی را طی میکرد. علاوه آلمان در جنگ با روسیه هم بهمین علت گرفتار گردید. آلمانیها در نتیجه تعهد کمک به ایتالیا در جنگ با یونان حمله خود را برعلیه روسیه تا بیست و دوم ژوئن تأخیر انداختند و بنا بر این وقت کافی برای آنها نماند که پیش از رسیدن زمستان ارتش شوروی را سرکوب و مغلوب نمایند و شاید در آن زمان این قضیه ممکن بود زیرا هنوز تجهیزات وسپاهیان نرسیده بود و کلیه وسایل آنها جمع نشده بود. در این موضوع آلمان به سبب اتحاد با ایتالیا و بالاخره از آن سبب حمله ای که بیست سال قبل موسلینی بروم نموده بود تنها فرصتی را که شاید به پیروزی آلمان منتهی میگردید ازدستداد.

ژنو ـ بقرار اطلاع خبرگزاری شوروی چنانکه در ژنو اظهار اطلاع میشود در پیام شخصی که (روبرتلی) ازطرف هیتلر برای موسلینی به رم آورده است پیشوای آلمان راجع به بمباران های «میلان» و «ژن» و سلونا بدست نیروی هوائی انگلیس اظهار تأسف و همدردی کرده است هیتلر مینویسد امروز نواحی شمال ایتالیا هم شریک سرنوشت آلمان باختری گردیده وهمین قضیه همبستگی مقدرات دو کشور را درخاور و باختر تأیید مینماید.

هیتلر ضمنا خاطرنشان کرده است که بدون شبهه این مسئله نقشه های صلح خواهی هوا خواهان و معاضدین صلح را که هنوز در ایتالیا [illegible] شود بکلی خنثی خواهد کرد. بعلاوه هیتلر مینویسد مشقات جنگ روسیه بدوش آلمان تحمیل شده است. بحال شبهه و تردید نیست که این مسئله در ایتالیا بخوشی مورد ملاحظه واقع خواهد شد و وظیفه اتحاد خود را که عبارت از تعقیب جنگ میباشد انجام خواهد داد.

هیتلر در پایان نامه خود مینویسد که آلمان همچنان به ایتالیا کمکهای لشکری خواهد کرد ولی در موضوع کمک نیروی هوائی فعلا نمی تواند کاری کرد

خاور دور

واشنگتن ـ اعلامیه وزارت دریاداری امریکا حاکیست که در (گوادالکانال) رزمهای مختصری در گرفته و یک ناو شکن ژاپن با یک اژدر آسیب دیده است. هفته گذشته دوازده تانک ژاپن نابود گشته است.

واشنگتن ـ خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد که سرهنگ نوکس وزیر دریاداری امریکا در انجمن روزنامه نگاران اظهار داشته که [illegible] نیروی دریائی ژاپن از جزایر سلیمان خارج گشته اند و نیروی آمریکا هنوز ـ گوادالکانال را حفظ کرده و تمام اراضی را که تاکنون اشغال کرده تحت تصرف دارد. سپس اظهار داشته که من نمیتوانم بگویم اوضاع آینده این شبه جزیره چگونه خواهد بود ومایل نیستم ابراز خوش بینی زیادی بنمایم.

چونگ کینگ ـ خبرگزاری انگلیس خبر میدهد اعلامیه ئی که روز آدینه انتشار یافته حاکی است که نیروی چین در شمال خاوری کانتن بر نیروی ژاپن حمله برده وسربازخانه های ژاپن را ویران نموده ویکصد ژاپنی را کشته و زخمی کرد.

زاداره انتشارات سفارت انگلیس

سخنرانی مستر ایلیف

مشاور مالی سفارت انگلیس

در تاریخ هشتم آبان ۱۳۲۱

پریشب جلسه سخنرانی برای استماع نطق آقای ایلیف در اداره نتشارات سفارت انگلیس تشکیل گردید که در این جلسه چند تن از آقایان زیران ، روسای بانکها و مطلعین درامور مالی و اقتصادی ومدیران روزنامه ها و خبرنگاران خارجی و همچنین سفیر کبیر ترکیه ، وزیر مختار امریکا ، زیر مختار انگلستان ، وزیرمختار بلژیک و عده دیگر از نمایندگان سیاسی رجی شرکت داشتند .

در ساعت ۹ بعد از ظهر آقای ایلیف سخنرانی خودرا در باب اوضاع لی ایران بشرح زیر ایراد نمودند :

ن سخنرانی

یکی از کسانیکه در مسائل مالی یت کامل داشت در قرن گذشت اظهار ته است که سه چیز فکر انسان را یشان میکند و آن سه چیز عبارتند عشق - جاه طلبی و مطالعه درباره ضوع پول واز این ۳ آخری بدتر ب است .

اگر اظهارات این شخص صحیح د باید مواظب بود که مطالعه در وضوع پول که امروز بیشتر نفوس ران مشغول با آن شده است از حد دال بیرون نرود تا مبادا مطلب از ر خود منحرف شود زیرا که در ن هفته های اخیر موضوعی که افکار وم مردم وهم چنین مجلس ومطبوعات شور را بیش از همه چیز مشغول ب کرده پول ایران بوده است

نمایندگان در مجلس نطق های ر مهمی ایراد نموده و سندگان با مقالات مفصل صفحات مههای تهران را گرفته کوشش ه اند دولت را از زیانهائی که در انتشار اسکناس جدید عاید میگردد ج و بسر حد نمایند و منجمله ر داشته اند که مردم اعتماد خودرا رایج دارند از دست میدهند اما آنچه گفته یا نوشته شده اساس ثروت ی میتوان یافت گفته در بیهوده است و آنکه نمودن مردم ایران ن تا آنجا که انتظار میرفت مؤثر باشد .

نعمت خارجی که باعث ... بوده د افزایش انتشار اسکناس .

در آخر شهریور ماه ۱۳۱۷ وع اسکناس های ایران که در ال بوده بالغ بر یکهزار میلیون بوده است در آخر شهریور ماه ۱۲ آن مقدار ۲۷۰۰۹ میلیون بالا است یعنی ۱۷۰ درصد اضافه است .

در عرض همین مدت اسکناس کشور از ۲۳ میلیون لیره مصری به ۷۱ر۳ میلیون لیره مصری بالا رفته است یعنی بیش از تقریبا ۲۰۰ درصد اضافه شده است

اسکناس در کشور عراق از ۴ر۲ میلیون دینار عراقی به ۹۸ر۱۵ بالا رفته است

یعنی تقریبا ۲۵۰ در صد اضافه شده است و باز هم اسکناس ترکی از ۵ر۲۸۲ میلیون لیره ترک به ۴۰ر۶۴۳ میلیون لیره ترک بالا رفته است یعنی تقریبا ۱۳۰ در صد اضافه شده است این وضعیت سایر کشور های خاورمیانه بوده است

همین وضع نیز در انگلستان و در امریکا حکمفرما بوده است و در واقع تمام کشور های جهان کم وبیش دچار همین حال بوده و از اینرو ایران از حیث انتشار اسکناس مستثنی نبوده است

حال شما ممکن است سؤال کنید که چرا اساسا بایستی این وضع پیش بیاید سر این پیش آمد اینست که در موقع جنگ مردم بیشتر فرصت پیدا میکنند که بیشتر کار کنند ، و بیشتر نفع ببرند زیرا که در حین جنگ مهمات بسیار باید فراهم شود ساختمانهای نظامی باید ساخته شود ، راه های ارتباطی حیاتی باید برقرار گردد و هیچ چیز نبایستی مانع پیشرفت این عملیات گردد .

علاوه در کشور های متخاصم هر کس از مرد وزن بطوریکه کاری ازاو ساخته باشد برای مساعی دوره پیشرفت جنگ مشغول کار میشود و مزد میگیرد و از اینرو بیکاری بکلی برطرف میشود چنانکه در ایران نیز با اینکه وارد جنگ نشده است بر اثر پیش آمد اتفاقی که با منظور داشتن ... کارهائی که از طرف دولت های متفق دنبال میشود استخدام شده اند .

میزان اجرتیکه اکنون ایرانیان دریافت میدارند هرگز در تاریخ این کشور سابقه نداشته ثروت هر چه مردم ایران سرایت بیش از پیش اضافه شده است سیلی از ثروت بطرف این کشور جاری شده است و لیره ها و دلار های ایران انباشته میشوند .

در آخر شهریور ماه ۱۳۱۷ ارز خارجی ایران تقریبا هیچ بوده است درصورتیکه در آخر شهریور ماه ۱۳۲۱ تقریبا دارای ۰۰۰ر۰۰۰ر۷ لیره انگلیسی و ۰۰۰ر۰۰۰ر۷ دلار امریکا بوده است .

از این چه نتیجه میگیریم نتیجه که از این وضع گرفته میشود این است که ایران دارای موقعیتی خواهد شد که دیر یا زود میتواند لیره ها ودلارهائیرا که در مقابل همکاری با بریتانیا وامریکا از آنها دریافت نموده ومینماید با کالا مبادله کند .

من شنیدهام که گفته شده است که ایران بااین مبالغی که متفقین در آنجا خرج میکنند مضرتر خواهد شد واگر دولت ایران این لیرهها و دولار هارا نگیرد وضع ایران بهتر خواهد شد لکن من تصور نمیکنم که دولت ایران بااین نظریه اقتصادی عجیب موافق باشد زیرا که تاکنون هیچ وزیر دارائی را سراغ ندارم که این لیرهها ودلار ها رابفرستد بجائه وسعی کند که آنهارا از سرخود باز کند .

علاوه برای مقادیر عظیم کالاهائی که در طی سال گذشته همه هفته از آن سوی دریاها وارد ایران گردیده است مانند چای - شکر - قند - دارو - پارچه و انواع واقسام کالاهای دیگر که در ایران فراهم نمیشود ارز خارجی لازم است و در صورت نداشتن آن ارز خرید آنها ممکن نبود و صادر کنندگان امپراطوری انگلیس و کشور های آمریکا آنها را نمیفروختند . و حتی اگر ایران ارز خارجی داشت و دلیل بخرید جنسی بود ناچار میبایستی مایحتاج خودرا از امپراطوری انگلیس و آمریکا تهیه کند در این دنیائی که در حال جنگ است تهیه مایحتاج عمومی محدود باجناس ضروری است و دول متخاصم باید مواظب باشند که آنچه تهیه میکنند جز برای مللی که دوست آنها هستند فرستاده نشود این ثمره است که ایران در موقعی که در ردیف متفقین قرار می گیرد از اقدام خود میبرد اگر ما نتوانیم اجناسی را که ملت شما احتیاج دارند ... حتی ایران بفرستیم زیرا که می بینیم ارسال آن بجهت کشتیها مواجه باچه خطراتی است آیا ایراد و ملامتی برما وارد است ، و همچنین اگر از تلف نمودن آنها برای فرستادن کالا برای کشور هائی که دوستان آنها نیستند خود داری کنند قابل سرزنشند .

دراینجا وارد مرحله دوم که انتشار خارج از اندازه اسکناس است میشویم .

امروز در ایران نیز مانند سایر نقاط عالم میزان اسکناس که قوه خرید مردم را بالا میبرد زیاد شده و در مقابل از مقدار اجناس هم که اسکناس باید صرف خرید آن شود کاسته شده است در چنین احوال از ترقی دامنه قیمتها گریزی نیست مگر اینکه اقداماتی شود تا از موجودی اجناس مایحتاج مردم بیفزاید ویا آنکه از قوه خرید آزاد آنها بکاهد ویا آنکه این هردو اقدام در آن واحد انجام پذیرد .

حکومتهای مختلف امپراطوری بریتانیا وحکومت کشور های متحده امریکا این وضعیت را پیش بینی نموده وروش صحیح ومجری برای این ضعف اقتصادی اتخاذ نمودهاند .

آنها هزینه دولتی را بحد اقل ضرورت پائین آوردهاند در آمد های ملی را با وضع مالیاتی که هیچ سابقه نداشته جمع آوری نموده اند فقط در مواقعی که دیگر مالیاترا نمیتوانستند اضافه کنند بقرضه دولتی پرداخته اند برای جلوگیری از محتکرین واستفاده جویان مجازاتهای بسیار سخت وضع نمودهاند ملت خود را برای دوره جنگ و شاید تا مدتی پس از آن از خوش گذرانی و تجمل که در زمان صلح مردم آن عادت کرده محروم نمودهاند پس انداز ملی را از هر حیث تشویق نمودهاند و اثر این اقدامات آنست که قوه خرید را عملا بکلی قلع نموده تا هنگامیکه در آینده کالا بحد وفور یافت شود ومنافع امروز را بمصرف خرید آنها رسانند .

از این چه نتیجه گرفته می شود در آن کشورها قناعت کامل حاصل میباید ولی باوجود این پس از سه سال جنگ بازهم ممکن است باآن لیرهها ودلار ها تقریبا همان مقدار کالائی که ممکن بود پیش از جنگ باآن خریداری شود خریداری گردد .

آیا همین وضع دوباره ریال هم عملی میکند ؟ خیر . ولی علت اینرا فقط در مصارف هنگفت متفقین در ایران جستجو نکنید وعلاج آنراهم با قطع آن مصارف فرض ننمائید .

منافعی که مجموع آنها میلیونها ریال میرسد نصیب ایرانیان گردیده و در جیب آنها راه که مأخوذ است ؟ آیا میزان مالیات بر درآمد از آغاز جنگ تا کنون یک شاهی بالا رفته است ؟ آیا هیچ مالیات اضافی وضع شده است ؟ آیا هیچ تحدیداتی برای مسافرت خارج منظور شده است . درصورتیکه در آمریکا ۹۰ درصد کسر منافع اضافی

بقیه در صفحه ۴

ترجمه: ناصر وثوقی

- ۳۷ -

سقوط باستیل

۳ - فرسن و ماری آنتوانت

اودوفکر ماری بود همه چیزها مالیده شده وهمه آرزوهایش نقش بر آب است . پشت میز نشست بپادشاه سوئد نوشت : «کارها وارونه شد» نامه دیگری بپدرش نوشت : «همه چیز از دست رفت ! دیگر ناامید هستم . اینک به بروکسل میروم که نامه وفرمان شاه را بدرستی برسانم» فردا صبح ناامید راه افتاد و ۲ بعد از ظهر روز ۲۵ ژوئن به بروکسل رسید آنجا خبر چاک زدن شاه تیره شدگان را پریشان کرده بود . و تا روز ۲۸ ژوئن که گرفتاری لوئی فراری و برگرداندن او بپاریس بهمراهی بارناو و پیون که در کالسکه خانواده سلطنتی وطرف شاه و ملکه چسبانه زده بودند به بروکسل نرسید .

در یاس و ناامیدی شدیدی که بفرسن دست داد دو تسلی و دلگرمی داشت یکی اینکه او سعی خودش را کرده وزور خودش را زده بود و گرفتار شدن شاه و ملکه را نمیتوانستند گردنش بیندازند ، دیگر اینکه چهار هفته بعد نامه از ملکه دریافت داشت و دانست که ملکه هم او را بی تقصیر میشناسد و حالا اورا بیشتر و شدیدتر دوست میدارد کاش این نامه زودتر میرسید و با پرتو امیدی که بقلب فرسن تابید کمتر او را اسیر چنگال یاس و بدبینی میشود . فرسن تصمیم گرفت بقیه عمرش را در خدمتگذاری ملکه مصروف بگرداند اینقصه مرکز فعالیت را بروکسل قرار داد و برای نجات خانواده سلطنتی فرانسه مثل خرکار میکرد . پیش خودش نقشه میکشید . طرح میریخت . میخواست دم پادشاه انگلستان را ببیند ویا هر نیرنگی شده از او کمک بگیرد باید پادشاه سوئد راهم وبه گردشاید او همکاری ازدستش بر آید . از امپراطریس روسیه و گوستاو سوم امپراطور اطریش درخواست کنیم کشتی وسرباز بفرستند و اسباب فرار را رو براه کنند . یکی از همدستهایش را بانگلستان فرستاد . خود فرسن امپراطور اطریش را ملاقات کرد اما چیزی دستگیرش نشد . جاهای دیگر هم کاری از پیش نرفت اما نامه های ماری انتوانت پشت سرهم میرسید نامه هائیکه کلمات وگاهی جملات را از توی آنها پاک میکرد . در یکی از نامه ها نوشته شده : «من زنده ام چقدر میخواهم از تو خبری داشته باشم . خدا کند این نامه بدست تو برسد . برایم چیزی ننویس . مگر اینجا آمدن را هم در معرض راه نهی — میدانم تو بودی که دروغ را بهم انداختی و اسباب فرار را جور کردی . ازجانب من نگران مباش . مجمع سرمدارا دارد»

در نامه مهیج دیگری نوشته : «تنها یکدقیقه وقت دارم که بگویم ترا دوست میدارم و بس . برایم نامه ننویس وشانی مسیو دوبرون هرستووی پاکت رابنام او کرت بنویسد . بگو کجا برایت نامه بنویسم زیرا اگر ننویسم نمیتوانم زنده بمانم خدا نگهدار تو که از همه مردان زیادتر دوستت دارم و از همه با حقیقت تر دوستم میداری»

بیچاره ماری آنتوانت اگر برای فرسن کاغذ نمینوشت نمی توانست زنده بماند . آن وقت میخواست ملکه فرانسه هم باشد و پشت مردم هم سوار بشود .

تابستان و پائیز بیهوده گذشت و از دم این و آنرا دیدن و اینطرف و آنطرف دویدن سودی حاصل نشد . پیکی از جانب ملکه رسید و پیامی به فرسن رسانید : «بدان که نه زمان و نه فاصله بین من و تو قلبهای مارا از هم جدا نمیکند این حقیقت را هر روز بهتر حس میکنم .» یکماه بعد پیک دیگری آمد و انگشتری برای فرسن آورد . ملکه پیام داده بود : پیامی گله آمیز : «بی خبر بودن از تو برایم اندوهی شدید و دردی غیر قابل تحمل است .»

روز هشتم اکتبر فرسن به بروکسل آمد چرا ملکه آنچه را او می دانست وحس میکرد نمیدانست . مگر نه اینکه او وهمکارانش شب وروز برای فرار دادن خانواده سلطنتی کار میکردند تاشاه را از فرانسه بیرون آورده و سپس درمیان آرتشی نیرومند پیروزمندانه باز گشتش دهند پس چرا ملکه بحرف دیگران گوش میداد وباهمه کارهائی که کرده بود میخواست اعتماد مجمع را بخود جلب کند

فرسن نمیدانست که ملکه خودش را بشکل مرد گریزده وتظاهر میکند ودوره دلش به انقلاب و آنهائیکه آتش انقلاب رادامن میزنند نفرین می کند : بهر حال نامه ملکه نوشت که این نمایندگان حالی نمیخواهند که آبرویشان برود وحقه تورا نخواهند خورد . آنها از انتقام میترسند و دست ملکه راکه بطرفشان دراز شده نپذیرش نخواهند زد . مجمع ملی برای نابود کردن سلطنت تشکیل شده گذشته آن رژیم فئودالی رانابودکرده وکسانی راکه بجاوبی مخالف برپشت توده مردم سوار و خونشان را میمکند نابودکند .

نیکلای اوستروفسکی

ترجمه : ا . شرقه

فولاد آبدیده

۴۰

فصل ششم

— من باکمال میل بعد از چند دقیقه شما دو تا را باهم تنها میگذارم حالا خبر تازه را که پیش همه میشودگفت حکایت کنید :

ملور تونیا شوخی میکرد . صندلی خود را نزدیک دیوان کشید ونشست

— اول این خبر خوش ما دیگر مدرسه نخواهیم رفت . شورای مدرسه م گرفته کلاس هفتم مارا گواهی نامه پایان تحصیل بدهند . من خیلی خوشوقتم از روی میل صحبت میکرد — من دیگر از جبر وهندسه تنگ آمده بودم محصوص خواهیم بچه درد ما میخورد . حالا پسر بچهها ممکن است بعدها سهایشان را ادامه دهند . اگرچه خودشان هم نمیدانند کجا ؟ حالا که همه جا و جدال وکشمکش وجبهه است . . . ما را شوهر میدهند هیچکس هم از زن مردار جبر ومقابله نمی پرسد .

لیزا اینرا گفته شروع بخنده کرد .

یکاترینا میخائیلوونا کمی با دختر ها نشست وبعد بلند شد ورفت .

لیزا خود را نزدیک تونیا کشیده او را در بغل گرفت وشروع بحکایت ر که روی جلد اطاق افتاده بود کرد :

— تونیا جان . تو فکرش را میکنی ؟ من چقدر متعجب شدم وقتی شناختم آن کسیکه از پهلوی من دوید و فرار کرد که بود ؟ بنظر تو کی باشد ایشان است ؟

تونیا باشتیاق صحبت لیزا را گوش میداد . شانه هایش را بعلامت عدم ع بالا انداخت .

لیزا یکمرتبه گفت :

— کورچاگین بود .

تونیا تعجب کرد . قلبش فشرده شد . پرسید :

— کورچاگین بود ؟

لیزا از تأثیر حرف خود خوشوقت شدهٔ بحکایت کردن گفتگوی خود با ویکتور شروع کرد .

لیزا سرگرم صحبت بود . متوجه نشد که چطور پریدگی خاصی در چهره تونیا نمایان گشت وانگشتان ظریف او باچه عصبانیتی نخ های بلوز آبی اش راکشیده پاره میکردند . لیزا نمیدانست با چه هیجانی قلب تونیا فشرده میشد و چه مضطربانه مژه های بلند چشمانش تکان میخوردند اینقدر بااضطراب وبیتابی بهم میخوردند .

تونیا دیگر حرفهای لیزا را در موضوع مستی افسر آلمانی گوش نمیکرد . تمام فکر او فقط متوجه یک مطلب بود : ویکتور لشینسکی میداند کی حمله کرده . لیزا بیخود باو گفته . » وی اختیار این جمله را بزبان گفت :

— چه گفتی ؟

لیزا ملتفت نشده بود .

— برای چه با ویکتور راجع بپاول جان صحبت کردی ؟ کورچاگین را میگویم . آه . ویکتور او را لو میدهد . .

لیزا اعتراض کرد :

— بگمان نمیکنم . علت ندارد ویکتور این کار را بکند .

تونیا باگرانی تمام نشسته زانو هارا در بغل گرفته بود و بسختی فشار میداد .

— تو لیزا هیچچی نمیفهمی . او و کورچاگین باهم دشمن اند . ویک چیز دیگر هم بر آنها اضافه میشود — وتو اشتباه بزرگی کردی که راجع بپاول جان بویکتور حرف زدی .

لیزا فقط حالا متوجه هیجان وپریشانی تونیا شده بود واین کلمه «پاول جان» که اشتباها ازدهن تونیا پرید چشمهای لیزا را باز کرده ومطلبی راکه او کمی و بریده بطور مبهمی درک کرده بود کاملا برای او روشن ساخت .

لیزا خواهی نخواهی گنه خودرا فهمیده ساکت شد . فکر میکرد : «پس معلوم میشود قضیه حقیقت دارد .»

خیلی غریب است که عاقبت تونیا خاطر خواه شده . آنهم خاطر خواه کی ؟ خاطر خواه یکنفر کارگر ساده . لیزا خیلی میل داشت راجع باین موضوع صحبت بکند ولی محض مراعات نزاکت خودداری نمود وبرای اینکه تلافی گنه خودرا جبران کرده بادستهای تونیا دو دست گرفته گفت :

— تونیا جان . توخیلی نگران شدی ؟

تونیا با پریشانی حواس جواب داد :

— نه . شاید ویکتور بیشتر از آن شرافت داشته باشد که من فکر میکنم

اینقدر نگذشته بود که دمیانوف که جوانی سرپائین وچاق گندهٔ بود و دریک کلاس بادختر ها درس میخواند وارد شد .

تا آمدن او صحبت دختر ها دیگر نمیگرفت .

تونیا رفقای خود را مشایعت کرده مدتی دمدر ایستاد . بدر کوچک دروازه تکیه کرده بامتداد تاریک جاده که بشهر منتهی میشد نگاه میکرد . باد بهاری این موجود بیقرار نسیم خنک خودرا بصورت زیبای تونیا می کشید وزلفهای طلائی اورا پریشان میکرد .

پنجره های عمارات شهر با دیدگان سرخ فام وتیرهٔ خود چشمک میزدند معلوم بود همانجائی که بالای سبد شهر . شهر غیر مانوس خودنمائی میکرد درزیر سقف یکی از عمارات . بی خبر از خطر . رفیق نوعاطلب او آرمیده بود وشاید حالا یادی از تونیا نمی کرد .

چه روزهای پر زنجیوار . از آخرین دیدار آنها گذشته است ؟ آنروز حق جانب او نبود ولی همهٔ آن قضایا مدتیاست فراموش شده . فردا تونیا دوباره اورا می بیند ودوستی گرم وروح افزا از سر نو شروع میشود . آره . از سر نو شروع میشود . تونیا اطمینان دارد . فقط اگر شب خیانت بار نیاورد . در واقع چه شب اضطراب انگیز وپرحسی است مثل اینکه کین کرده ونیت سوئی دارد . . شب سردی است .

تونیا برای آخرین دفعه نظری بامتداد جاده انداخته داخل خانه شد . توی رختخواب رفته خود رادرلحاف پیچید با این فکر بخواب رفت «فقط اگر شب خیانت بار نیاورد»

صبح زود که در خانه هنوز سایرین خواب بودند تونیا بیدار شده لباس پوشید وبرای اینکه کسی رابیدارنکند بآهستگی بیرون آمد .

مردم
محل اداره : میدان بهارستان
تلفن : ۹۶۴۸

قیمت اشتراک
یکساله ۱۴۰ ریال
شش ماهه ۷۵ «
سه ماهه ٤۰ «
تعیین بهای آگهی بادفتر اداره‌است

روزنامه‌ها چه‌مینویسند ؟

عرصه‌نبرد

مردان کار — شماره ٥٤

« امروز روز از کار کناره رفتن نیست .

« امروز روز مقاومت است .

« امروز روز ایجاد جبهه واحد نبرد است .

« امروز روزیست که ما باید گذشته را فراموش کنیم تصفیه حساب ها را موکول بوقت مقتضی سازیم

« با — به پیش فرمان مبین است . »

* * *

عرصه نبرد ، میدان جنگ ، روز کارزار و و . . . !

فرمان پاره به پیش ، جلو ، براست راست ، چپ چپ ، و . . . !

عرصه نبرد چرا؟ فرمانهای جنگ جویانه برای چه ؟ !

در کدام میدان جنگ خودنمائی میکنید و با که سرپیکار دارید ؟ معلوم نیست !

که میخواهد از کار کناره گیری کند ، که میخواهد سر سکار و شغل خویش حاضر نشود که شما با اینهمه اصرار میخواهید او را ملامت نمائید تا آنجا که ما میدانیم در این کشور مخصوصا امروز قحطی کار است نه از بیکاری مبالغه ، و هر کس دستش بکاری بند است باد گنگ هم حاضر نیست آنرا رها نماید ؟ پس اینهمه اصرار برای چه ؟ مجهول است ! گویا فراموش شده باشد که تأسیس مردان کار ؟ برای تهیه کار جهت افراد بیکار گروه است ؟ خوب ، هر کس میخواهد از کار کناره گیری کند ، خوش آمد دست حق به همراه ! شمایکی از افراد بیکار گروه را جایش بگمارید ، کار باین آسانی گمان میکنیم اینقدر اصرار و التماس لازم نداشته باشد !

مقاومت ، ایجاد جبهه واحد .

مقاومت در مقابل که ؟ یا معلوم است !

کدام جبهه واحد ؟ جبهه واحدی که در ممالک اروپا بر ضد فاشیسم تشکیل شد ؟ جبهه واحدی که از کمونیست و سوسیالیست ها واحزاب کارگری ایجاد گردید ؟ گمان میکنیم مقصود این باشد زیرا احزاب فوق اصلا در ایران وجود ندارند تا جبهه واحد آنها ! پس مقصود کدام جبهه واحد است ؟ معلوم نیست !

میگوئید دست از تصفیه حسابها بر داریم .

اگر مقصودتان خورده حسابهای شخصی و بست و بند های خصوصی است که محور تمام نگو های این کشور بوده وهست با این دو محرم اهم از نظر وطنی و والیس و مرلوس و غیره تصور میکنیم همان اندازه صحبت شما مؤثر باشد که یاسین در گوش . . . !

اما اگر مقصود تصفیه حسابهای اجتماعی است ، عقیده ما این حسابها را همیشه و همه وقت ودر هر فرصت باید تصفیه کرد ، اتفاقا هیچ وقتی مناسب‌تر از امروز نیست . بیست سال زجر و زحمت کشیدیم ، بیست سال فشار و رنج دیدیم و نفسمان بیرون نیامد ، بیست سال سوختیم و ساختیم ! امروز روزیست که این حسابهای بیست ساله و صد ساله بلکه آباء و اجدادی باید تصفیه شود ، جنایتکاران و مرتجعین بکیفر برسند ؟ تا این تصفیه اجتماعی کاملا عملی نشود جبهه واحد ملت ایران برای سعادت خویش خیال واهی بیش نیست !

نبرد و مبارزه امروز ما همین تصفیه اجتماعی است و بس .

حلاج — شماره ۷

برای مبارزه با عوامل بدبختی

« چرا؟ برای آنکه در سالهای اخیر در نتیجه انحصار بازیهای بی مورد و شرکت سازیهای من‌در‌آوردی و تسلط کنترل او مردم — رشته هنرپیشگی و پیشه وری و زمین‌داری — از کف طبقه متوسط که مهمترین طبقه ضامن حفظ و نگاهداری حکومت دمکراسی می باشند ، بدر رفته و اوضاع اجتماعی و تمدن ملی ما در حال تفرقه وجدائی افتاده و ممکن است خللی در وحدت ملی ایرانیان وارد سازد . زیرا طبقه متوسط ملت که از جلوگیری از افراط و تفریط وضعیات اجتماعی و عبارت از : بازرگانان آزاد و خرده مالك و پیشه ور و کارمندان مسئول امور اجتماعی و اقتصادی و سیاسی هستند ، بواسطه سوء سیاست و طمع زمامداران دوره‌ماضیه در توده‌ها کثرت مستهلك شده و در نتیجه ملت ما به دو دسته اساسی تقسیم شده اند که از نظر اقتصادی و هم آهنگی هیچگونه رابطه ای باهم ندارند . یعنی یکدسته کوچك یا یك اقلیت مشخص وبر اعاده تمام رشته های امور اقتصادی را در دست گرفته و بطوری در جمع آوری ثروت ملی قدرت بخرج داده اند که نهایت ندارد . ازاینرو نه تنها دارای ساختمانهای زیاد و بیشمار شده اند بلکه بواسطه هر نوع معامله و انبار داری و احتکار ، دارای سرمایه های فراوان وموجود نیز میباشند ازسوی دیگر توده جامعه که اصل و بنیاد و ریشه کاخ ملت راتشکیل میدهند برای نان شب هم نیازمند یکدیگرند .

« دانستن سوء مختصری از شرح حال طبقات اجتماعی ملت که باید مورد توجه ارباب نظر شده و برای سلامتی اجتماع راه حل مناسبی یافته و درد اجتماعی را از اصلا درمان نمایند . »

* * *

طبقه‌متوسط رفته‌رفته از بین می رود قسمت اعظم آن در توده بی‌چیز و زحمتکش اجتماع که نام طبقه سوم وادوی آن میگذارند وارد میشود و عده معدودی از آنها هم سرمایه های موجودرا انباشته ، صف برابر گرفته ، بر نظر فکرهای خویش وصفاقتی و دو دستگاه خود افزوده جزو طبقه پول دار ، زور دار و حکومت‌دار میشوند ، فاصله بین دو قطب اجتماع هر روز بیشتر و فضای بین آن خالی تر میشود توده وسیع زحمتکش روز بروز بیشتر و فقیر تر گردیده ولی در افراد معدودهای طبقه اول هر لحظه متمول تر میشود . تضاد بین این دودسته و منافع آنها دائما افزون میگردد و همین امر هر لحظه تعادل اجتماع کنونی وابیشتر بخطر میاندازد و روابط کار و استحصال ملی را بگسستن تهدید میکند . این قانون جبری اجتماع ما و سرنوشت قطعی کلیه اجتماعات بشر است . هیچ چیز جلو این قانون اجتماعی را نمیتواند سد کند ، نه اراده محکم ، نه نیروی منظم ، نه دامن همت و نه نقشه روشن جلو آرا نمی تواند بگیرد . این تضاد قطعا و جبرا بوسیله یك نهضت وجنبش شدید اجتماعی پایان خواهد یافت

اصلاحات معکوس

باختر — شماره ۹٥

« جامعه زجر دیده ایران پس از بیست سال که در زیر شکنجه حکومت استبدادی بسر برده تازه می خواستند یك فضای آزاد نفسی براحتی بکشند بدبختانه از یکطرف اوضاع عمومی دنیا و از طرفی محافظه کاری و عدم لیاقت حکومتهای بعد از رضاشاه این موهبت بزرگ را از دست او گرفت و راه ادامه حیات را طوری بروی او بست که بمصیبت کنونی گرفتار شده است ، مگر این بیچارگی را میشود کرد ، فریاد گرسنگی و گرانی ازهر سو بلند است ضربت شدید و جانفرسای دیکتاتوری گذشته‌هنوز هست و بیست کشوررا گسیخته ، بلا تکلیفی تشنج اعصاب ، تشویش افکار و اذهان و بالاخره سکوت مرگ وروح یأس در همه جا کم و بیش حکمفرما شده و معلوم نیست در میان تمامی این عوامل سیه‌روزی در چنین این کشتی شکسته سرانجام رستگاری برای ما وجود دارد یا خیر ! !

« تهران بوضع هلاکت باری که دارد بحوت شك ازوانتر از همه شهرستانهای ایران بهتر است و بهمین قیاس میتوان فهمید که مردم دور از مرکز چه میکشند وچگونه با تنگی و سختی زندگی روبرو هستند !

« در حالیکه قسمتی از برادران وطنی ما در صفحات جنوب وشمال و سواحل سر بشام زمین میگذارند یا بجای نان از علف بیابان ارتزاق می‌کنند ، در حلقه آن اسبهای باشکوه و ... ، مراسم اسب دوانی انجام می گیرد و باشگاه سوار کاران تشریفات فرجه کشی را برگزار مینماید !

« دنیا ، وقتی حال ملاحظه و بیچارگی گرفتار میشود از اعتقادهای علمی و تاریخی خویش صرفنظر میکند اما در مملکت ایران ، در این کشور شش‌هزار ساله‌دراین شهر ، غیر از افراد مردم همه چیز مستعد است

« این اصلاحات عنصدار چیست ، جمعیت کشور دارد روبه‌فنا میرود شما برای‌اصلاح وادامه این‌همه تشریفات قائل میشوید بساط سخنرانی ونطق بپا میکنید !

« واقعا انسان متحیر میماند پس از چندین سال که از تأسیس این باشگاه مولود تفکر فائد عظیم‌الشأن میگذرد کسی تاکنون ندیده که یك اسب تربیت شده باشد یا از این راه چند سوار کار قابل وجود پیدا کند این چند ساله کجاست یا پولهای اینجا هم مثل وجوه بنگاه حمایت مادران صرف حقوق‌و‌هزینه اتومبیل‌های‌سواری وآسایش شده و تازه چندین سال بعد معلوم خواهد شد که جامعه را اغوا کرده‌اند . »

* * *

آنهائیکه این‌تصمیمها رامیگیرند.

خبرهای کشور

گشایش دانشکده معقول ومنقول

امروز سه ساعت پیش از ظهر آئین گشایش دانشکده معقول ومنقول انجام خواهد شد وزارت فرهنگ از آقایان وزیران وهیئت رئیسه‌مجلس ، استادان و فرهنگیان دعوت نموده است که در ساعت مقرر دردانشکده مزبور حضور بهمرسانند .

بازدید زایشگاه

دیروز بامداد آقای وزیر بهداری زایشگاه نگاه‌مباشرت‌مادران‌را بازرسی نموده و ضمنا یکصد پتو و مقداری لوازم پانسمان حواله نمودند که از کارپردازی وزارت بهداری دریافت شود .

بهره برداری کارخانه های قند

بهره برداری کارخانه‌های قندسازی در نقاط مختلف کشور آغاز گردیده و در اکثر نقاط محصول چغندرقندهم رضایت بخش بوده کشاورزان محصول چغندر قند خود را بکارخانه های قند سازی تحویل میدهند .

برای گرفتن نان

زن احمد نام دیروز برای گرفتن نان بنانوائی میرود و طفل دوساله‌اش در حوض آب افتاده و خفه میشود در دکان نانوائی حادثه‌را باو اطلاع میدهند

بقیه از صفحه ۳

سخنرانی مستر ایلیف

از طرف دولت ضبط می شود و در انگلستان صد درصد .

آیا هیچ محتکری بمجازات استفاده‌جوئی مجازات شده است ؟ آیا هیچ اقدامی برای جلوگیری از تبذیر در زندگانی ثروتمندان و یا تشویق کسانی که عایدات هنگفت و اضافه دارند (و عده آنها زیاد است) برای پس اندازی بعمل آمده‌است؟ البته شما جواب‌این‌سئوالات را بخوبی و شاید بهتر از من بدانید ولی یك حقیقت است که ممکن است ندانید و آن این است که گمان میکنم که از شهریور ماه ۱۳۱۷ تاشهریور ماه ۱۳۲۱ قرض دولت یك میلیون و نیم ریال اضافه شده است واین‌مبلغ البته علاوه بر چهارصد میلیون ریالی است که در اختیار دولت از طرف اعلیحضرت همایون شاهنشاهی گذارده شده . اکنون بعهده دولت (دوست مانند بعضیهای خصوصی) یکی از مظاهر لازمه‌زندگانی اقتصادی امروزه است این قرض بخودی خود بد نیست و زیان در قرض گرفتن نیست بلکه درعدم پرداخت آنست و موقعیکه‌دولتی‌جهت سد احتیاجات خود برای اینکه مالیات را اضافه نکند متوسل بقرض گرفتن شود آنوقت است که اختلال وضعیت مالی آغاز میگردد .

من در پیش گفته ام که در ایران باید وضعیت بسیار سختی روبرو شده ام و مایل نیستم که چیزی گفته شود که بران سختیها بیفزاید بطوریکه‌من میدانم دولت شما با کمك و معاضدت رئیس دولت جداً مشغول رسیدگی و اقداماتی هستند که در بهبودی اینوضع مؤثر واقع افتد .

جناب آقای وزیرمختار مایلند که از طرف ایشان عرض کنم دولت امپراطوری بریطانیا آماده است که با دولت ایران حتی‌المقدور در این راه کمك وهمراهی نماید و همچنین جناب آقای وزیر مختار امریکا اجازه‌فرموده اند که همین نکته را از طرف دولت کشورهای متحده‌امریکا نیز تائید‌نمایم از طرف زمامداران دولت های متفق مکرر اظهار شده است که در مناسبات خودبا ایران‌دوی‌اصل علاقمندی آنها نسبت‌بملت ایران بوده است

اکنون عرایض خود را باذکر یکی دو کلمه در باره این عدم اعتماد بپول خاتمه میدهم .

تا آنجائیکه ریال های اضافی در اثر مخارج متفقین بگردش گذاشته شود مقامات مربوطه شما معادل‌ارزش آن لیره انگلیسی و دلار امریکائی در دست دارند لهذا دو مملکت از ثروتمندترین ممالك دنیا پشتیبان‌اعتبار پول شما هستند .

تصمیم به افتتاح یك سازمان تازه ، یك مؤسسه جدید ، یك اسب دوانی وبا و غیره ، آنها برای مرد‌بورزاحتی آنان این تصمیمها را نمیگیرند .

آنها برای راحتی خودشان ، برای تماشا ، برای تفریح‌ووقت‌گذرانی خود شان اینها را عملی میکنند . آنها بخوبی میدانند که‌توده فلکزده ایرانی چه روز سیاهی افتاده و بطرف چه پرتگاه هولناکی پیش میرود . ولی افسوس که خود خواهی ، جاه طلبی و منافع شخصی اجازه نمیدهد که برای این ناله ها و ضجه هائی که از شکمهای گرسنه بیرون میآید گوش شنوائی وجود داشته باشد !

اگر شما غیر از این تصور می‌کردید باهوزهم میکنیم زهی‌تصور باطل زهی خیال محال

چاپخانه علمی
تلفن ۵۱-۶۲

نامه‌های رسیده

جنگ ترک و فارس

ادامه دارد

آقای‌مدیرروزنامه‌مردم ازملاحظه مقاله ستره های ناساز و یکفقره مقاله دیگری دایر بر کشته شدن یك نفر درشکه‌چی بتهامیکه ترک زبان بوده است بر خودلازم دیدم که این‌مختصر رابنویسم تامعلوم‌شود که این‌موضوع ننگ آور یعنی اختلاف ترك و فارس هنوز هم ادامه دارد و در یکجا و دو جا نیست بلکه‌در بیشتر از نقاط‌تهران مرتکب‌این‌عمل قبیح‌میشوند‌این‌اشخاص هیچ نمی‌فهمند که‌همان‌ترک‌زبانهاهستند که همیشه سپر بلای آزادی وآسایش آنها بوده‌اند .

باری دیروز خودمن هم دیدم که در جلو نانوائی بربری یزی (۲۷۱) خیابان ژاله عده‌ای برای نان خریدن حاضر بودند وتماما هم آذربایجانی است چند نفر آذربایجانی‌هم که معلوم‌بود کارگر هستند بنوبه ایستاده بودند یکمرتبه سه چهار نفر لات جلو دکان‌راگرفته فریاد زدند : «دائماً نباید بترکها نان دادهشود بروند از هرجائی هست‌برای خودشان پیدا کنند» .

یکنفر از کارگرها گفت ما مگر اهل‌این مملکت نیستیم ؟ یکی ازفارس زبانها شروع بفحاشی نموده ویکمرتبه ریختند ازچند طرف‌بزن‌بزن‌درگرفت وترکها را کتك مفصلی زدند در آن بین سرهنگ دومی که قد بلند وگردن دراز وقیافه سوخته وصورت کشیده و لبان‌سیاه ، زیر چشم کبودشده‌وآرواره های فرو رفته داشت از دور رسید و بدکاندار گفت «اصلا نباید باین‌ترکها نان بدهی» یکنفر از ترکها رسید گفت جناب سرهنگ نفری یکدانه بیشتر نمیخواهیم گفت «چند نفرید» چهار نفر ۰۰۰۰۰ نمیشود شماتوطئه کرده‌اید چهار نفرهم شماهستید که یکجا چهارنان بخرید ۰ ۰ نمیشود تعجیه بروند گم شوند .

یکنفر از کارگرها‌گویا کارگر کارخانه بود جلو سرهنگ آمد وسینه جلو داد ومشت گره‌کرده دست بهوا گرفت وباصدای بلندفریاد زد : «من از صبح تاحالاکار میکنم کارگرم باید نان بخورم . نان نان نان» سرهنگ رنگ از صورتش پرید وعقب عقب رفت و دیگر حرفی نزد هر قدر توانست از دور با اشاره دست نانوا حالی کند که تو تا هم منزل مابرست جواب چشم از نانواها شنید و خاطر جمع شد ورفت .

دیگر من طاقت ایستادن درخود ندیده باطلاق به همشهری های (تهرانیها) تاسف خورده ورفتم ونداستم که آیا ترکها که باخشم در جلو دکان ایستاده وآتش‌از چشمان شان بیرون‌میجست موفق بنان گرفتن شده یا خیر ؟

ن—ا

مشت کارگر

همان سه یکجا . . . پوشهای که از طرف فاشیسم بر آلاشراف منافع‌سرمایه‌داران‌بجای‌شناخت در فرانسه کاری کردند که یك دیگر بدنیا ثابت شده که اگر مال‌جامعه‌ای با دست خالی بر علیه مرتجعین مسبب استثمار استثمار جهان متحد شوندبازهم‌پیرو با آنها خواهد بود .

ماه اکتبر گذشت لیکن دستگاه فاشیسم گذشت او شکست پیروزی در جبهه های شوروی و واقعه‌ننگین دیگری در فرانسه زیرا تاآخرین روز اکتبر مهلت جهت‌اعزام ۱۵۰۰۰۰ کارگر فرانسه آلمان پایان یافت لیکن نه فاشیسم و نه اطاعت کور کورانه داران وشی نتوانستند با رأی متعدی مقابله کند .

هیتلر از بیم نهضت عمومی گران ترسید و با آنکه دستگاه وی احتیاج مبرمی بکارگر داشت او فرمان سابق خود کشید یعنی مبارزه کارگران پیروز شدند .

محافل فرانسه آزاد معتقد مقاومت کارگران فرانسه عامل در جنگ بود و ضمنا اضافه میکن در صورت اقدام عملیات جنایت او طرف فاشیستها ممکن بود عمومی در فرانسه پدید آید ارتش نیز در مقابله با نهضت زند ۰ روزنامه یورکشایر پست بریرول خود مینویسد : در اولین بین فاشیسم و کارگران فرانسه نصیب اولی گردید اینك مرحله نبرد شروع شده است این پیروزی چنان‌هیجان‌انگیز بود که درکارگر سایر کشورها نیز تاثیر شایان و رفقای آنها در آمریکا با ارسال های شادباش برادران فرانسوی پرداختند .

روزنامه « منچستر گاردین » این باب مینویسد که در یك اشتغالی کارگران بی‌اسلحه توانسته در یك موضوع حیاتی بر دولت پیروز شوند این حادثه است که سرمش سایر کارگران کشور های اشغالی طرف فاشیسم خواهد شد للذوار نوبین جهت‌اعزام بآلمان لطمه‌شد وارد آمده است .

حرکت گازانبری

استراتژ ها یعنی متخصصین فن نظامی دنیا در جرائد و اوراق کشور های خود پیش بینی حالی میکنند که : ستاد ارتشهای محور یك حرکت گازانبری بزرگ را که یك سر آن در روسیه شوروی و قفقاز و سر دیگر در شمال افریقاست طرح نموده که در یك نقطه بهم وصل شوند اگر میخواهد بداند که این حرکت فرماندهی عالی نیروی محورروی طرح گازانبر و نقشه دفاع فرماندهان عالی نیروی متفقین در مقابله این گاز انبر چگونه کدام کشور ها خواهد بود بنقشه مفصل جنگی که تجارتخانه کاشانی تهیه و شامل همه اروپا و تمام افریقا وکلیه ممالك شرق میانه و کشور ایران باشد مراجعه کنید تا کاملا قسمتهای سیاسی شهر های بزرگ نظامی این کشور و موقعیت های مهم جنگی را در نظر گرفته پیش خود کاملا حل نمائید .

این نقشه با طرح و اسلوب خیلی خوب و با هشت رنگ تهیه شده در تمام ایران بیهای ده ریال بفروش میرسد . تلفن ٦٢٢٤

نشانی چهار راه لاله زار ۱ — ۲

آگهی مناقصه

شهرداری تهران مقداری بیل کوچك و بزرگ ساخت میهن و مقداری دلو چه و چراغ بادی و فطر و دسته جاروب و دسته بیل آبپاش سفید و سیاه سطل درب دار و بی درب شیشه یدکی چراغ دوبالی کلنگ یکسره و دو سره و دسته کلنگ — سرنه مختلف — مشك آب لوازم‌بند جاروب چرمی و طنابی بمناقصه خریداری مینماید شرکت کنندگان در مناقصه برای هر چند از اقلام بالا میتوانند پس از ملاحظه صورت مشخصات موجود دراداره کارپردازی پیشنهادات خودشان را بپیوست قبض مبلغ یکهزار ریال تا ساعت ۱۱ روز ۱۹و۲۰و۲۱ بصندوق هیئت نظارت هزینه شهرداری بسپارند پیشنهادات وسیله ساعت ۱۲ روز مزبور در نظارت هزینه شهرداری باز و خوانده خواهد شد و حضور پیشنهاد دهندگان در موقع قرائت پیشنهادات آزاد و شهرداری در رد و یا قبول یك یا پیشنهادات وسیله مختار خواهد بود

شهرداری تهران

www.iran-archive.com